روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
۱۱۹۲ سال و ۸۶ روز گذشت
یکشنبه | ۲۴ آبان ۱۴۰۵ | ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ | ۱۵ نوامبر ۲۰۲۶ | سال نوزدهم | شماره ۴۷۶۱ | ۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان
VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4761 | SUN.NOV.15, 2026 | ISSN:2008-2886

گزارش «وطن امروز» از انتقال شوک تنگه هرمز به پالایشگاه‌ها
مخازن راهبردی و شبکه حمل‌ونقل اقتصادهای بزرگ

جهان روی گسل تنگه هرمز

صفحه ۴

زمینگیری هزاران هواپیما و اختلال در سامانه‌های حیاتی
به زیرساخت‌های ایالات متحده حمله سایبری شده است؟

آسمان بی‌دفاع آمریکا

صفحه ۳



اعترافات مهم وزیر خارجه سابق آمریکا درباره شکست واشنگتن در جنگ علیه تهران

ایران قوی‌تر شد



عکس: AP

گروه سیاسی: واقعیات مربوط به جنگ تحمیلی آمریکا علیه ایران حالا بیشتر از گذشته از سوی مقامات و چهره‌های سیاسی آمریکا بازگو می‌شود. اکنون پس از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، آمریکایی‌ها صریح‌تر از گذشته، درباره جنگ تحمیلی دولت ترامپ و رژیم صهیونیستی علیه ایران اظهارنظر می‌کنند. دلیل این موضوع نیز مشخص است؛ نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، یک فاجعه و فضاحت تمام‌عیار برای ترامپ و حزب جمهوری‌خواه بود. شکست ترامپ و جمهوری‌خواهان در این انتخابات، حتی فراتر از پیش‌بینی‌ها و نتایج نظرسنجی‌ها بود. آنچه آمریکایی‌ها از آن به موج آبی یاد می‌کنند، حتی باعث شد معادلات و پیش‌فرض‌های سیاسی و انتخاباتی که دهه‌ها در آمریکا تثبیت شده بود به کلی تغییر کند. دموکرات‌ها توانستند ایالت‌هایی که دهه‌ها در اختیار جمهوری‌خواهان بود را از آن خود کنند. در کانزاس، پس از نزدیک به ۹۰ سال، کرسی سنا از دست جمهوری‌خواهان خارج شد. در تگزاس، جمهوری‌خواهان هم کرسی سنا را به رقبای خود باختند و هم فرمانداری را از دست دادند. تگزاس دهه‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نقش کلیدی برای جمهوری‌خواهان داشت. این ایالت ۳۸ رای الکترال دارد. حالا با شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات سنا و فرمانداری، احتمال اینکه جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ این ۳۸ رای الکترال را از دست بدهند بسیار زیاد شده است. بنابراین نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، صرفا تغییر ترکیب هر ۲ مجلس نمایندگان و سنا نیست؛ مهم‌ترین پیام این نتایج، دیدگاه مردم آمریکا نسبت به سیاست‌های ترامپ در قبال ایران و رژیم صهیونیستی است. «نه» بزرگ و معنادار مردم آمریکا به جنگ آن کشور علیه ایران، آنقدر واضح و بلند بود که جی‌دی ونس، معاون ترامپ پس از اعلام نتایج انتخابات، در یک موضع‌گیری مهم و بی‌سابقه اعلام کرد حتی حامیان حزب جمهوری‌خواه که اکنون به رقیب رأی داده‌اند هم خواهان پایان جنگ و تجدید نظر کاخ سفید در روابط و مناسبات آمریکا با اسرائیل شده‌اند. به اعتقاد کارشناسان، مخالفت مردم آمریکا با جنگ علیه ایران و تبعات اقتصادی آن برای آمریکا به‌ویژه افزایش قیمت سوخت، اصلی‌ترین دلیل شکست ترامپ و جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره بود. کما اینکه صاحبنظران معتقدند دلیل اصلی موضع‌گیری ونس علیه جنگ و تاکیدش بر پایان آن، تلاش وی برای مرزبندی با ترامپ و به طور مشخص، اعلام برائت از او نسبت به موضوع جنگ ضد ایران است.

بر همین اساس، فضای شکل گرفته در افکار عمومی و مناسبات سیاسی در آمریکا علیه جنگ آن کشور ضد ایران، باعث شده امکان انتقاد از این جنگ و تبیین تبعات آن برای آمریکا نسبت به گذشته فراهم‌تر شود.

به گزارش «وطن امروز» در تازه‌ترین اظهارنظرها، آنتونی بلینکن، وزیر سابق خارجه آمریکا در اظهاراتی بسیار مهم تاکید کرد جنگ آمریکا علیه ایران یک تصمیم و اقدام اشتباه بود که نه‌تنها تبعات بسیاری برای آمریکا داشت، بلکه موجب شد ایران قوی‌تر از گذشته شود. بلینکن این را هم گفت که تنها راه خروج ترامپ از این وضعیت، توافق با ایران است و وی ناگزیر است برای متقاعد کردن ایران به انجام این توافق، امتیازات مهمی به تهران بدهد. وزیر خارجه دولت بایدن به این نکته مهم نیز اشاره کرد که تنها عاملی که باعث شده ترامپ هنوز نسبت به انجام توافق با ایران متقاعد نشود، این است که او از نظر شخصیتی نمی‌تواند بپذیرد شکست در برابر ایران را اعلام و تثبیت کند.

وزیر پیشین خارجه آمریکا در گفت‌وگویی درباره جنگ آمریکا ضد ایران گفت: «آن گزینه‌ای که ترامپ انتخاب کرد، یعنی اقدام نظامی، به باور من اشتباه بود، چرا که تمام دولت‌های پیشین نیز این گزینه را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده بودند چنین اقدامی باید واقعا آخرین راه چاره باشد. حتی اگر دست به چنین کاری می‌زدید، شاید می‌توانستید ایران را برای مدتی به عقب برانید اما در واقع این عقبگرد احتمالا تنها در حد یکی دو سال می‌بود. در عوض، برنامه [هسته‌ای] آنها در اعماق بیشتری از زمین پنهان می‌شد و آنها دوباره بازمی‌گشتند و حتی فعالیت‌های گسترده‌تری انجام می‌دادند».

بلینکن در ادامه درباره راه خروج آمریکا از وضعیت فعلی گفت: «اگرچه آشکارا راه خروجی برای رئیس‌جمهور وجود داشته و همچنان هم وجود دارد اما مشکل این راه خروج آن است که مستلزم پذیرش این واقعیت است که او موفق نشده، زیرا این راه خروج نیازمند نوعی سازش با ایران است و این همان چیزی است که او از پذیرفتنش می‌گریزد. هنوز راهی برای خروج از این وضعیت وجود دارد. به گمانم دستیابی به یک توافق و یک راه‌حل دیپلماتیک، کاملا امکان‌پذیر است. اما در چارچوب چنین راه‌حلی، ممکن است اقدامات ایران در برنامه هسته‌ای‌اش تفاوت چندانی با آنچه در توافق لغوشده توسط ترامپ (برجام) وجود داشت، نداشته باشد و قطعا هم بهتر از آن نخواهد بود. پذیرفتن این واقعیت برای او بسیار دشوار است».

وی افزود: «در مورد تنگه هرمز که پیش از آغاز جنگ مساله‌ساز نبود، اکنون با مشکلی روبه‌رو هستیم که باید به آن رسیدگی شود و این تصمیم تقریبا به طور قطع امتیازی به ایران می‌دهد. اصلا دلم نمی‌خواهد چنین چیزی بگویم اما شاید واقعیت همین باشد: نوعی «عوارض» که البته نامش را عوارض نمی‌گذارند». وزیر سابق خارجه آمریکا افزود: «وسعت ایران ۴ برابر کالیفرنیا و ۳ برابر عراق است. این کشور ۹۰ میلیون نفر جمعیت دارد. آن نوار ساحلی در امتداد تنگه هرمز، پایانی ندارد. سلاح‌هایی که ایران همچنان تولید می‌کند، در عمق خاک این کشور مستقرند و برد آنها آنقدر زیاد است که نمی‌توان به‌سادگی همه آنها را از بین برد. برای انجام چنین کاری، احتمالا به نوعی تهاجم زمینی نیاز خواهد بود که این خود فاجعه‌ای تمام‌عیار به شمار می‌آید. ایران در واقع در مقایسه با زمانی که این ماجرا آغاز شد، در منطقه در جایگاه قوی‌تری قرار گرفته است».

■ **واقعیت‌های غیر قابل کتمان**

اظهارات و به تعبیری اعترافات وزیر پیشین خارجه آمریکا درباره شکست آن کشور در جنگ تحمیلی علیه ایران، واقعیت‌هایی است که پیش از این توسط سایر منتقدان و مخالفان ترامپ نیز به آنها اشاره شده بود. معروف‌ترین اظهارات مربوط به باراک اوباماست.

رئیس‌جمهور اسبق آمریکا اخیرا در یک گردهمایی انتخاباتی در دیترویت، اظهارات صریحی درباره شکست آمریکا در جنگ علیه ایران مطرح کرد. اوباما گفت: «یادتان هست؟ می‌گفتند: اوه! این بهترین جنگی است که تا به حال بوده. اوضاع دارد عالی پیش می‌رود. خب! ۸ ماه بعد، آن جنگ چطور پیش می‌رود؟ به متحدان ما و پایگاه‌های‌مان حمله شده، آمریکایی‌ها کشته شده‌اند، صدها آمریکایی مجروح شده‌اند و ذخایر موشکی‌مان هم ته کشیده است». وی در ادامه تاکید کرد: «حالا ۸ ماه پس از جنگ، ایران عملا بر تنگه هرمز که بخش مهمی از نفت جهان از آن عبور می‌کند، حق وتو پیدا کرده است، بنابراین آنها اکنون از نظر استراتژیک در موقعیت قوی‌تری نسبت به قبل از آغاز جنگ قرار دارند».

اوباما در این اظهارات، نکات مهمی را مورد اشاره قرار داد. او درباره تبعات جنگ برای آمریکا به تسلط ایران بر تنگه هرمز اشاره کرد؛ موضوعی که قطعا باعث شده موقعیت ایران نسبت به قبل از جنگ به مراتب بهتر شود. رئیس‌جمهور پیشین آمریکا سپس به حملات ایران به پایگاه‌های آمریکا در منطقه اشاره کرد. کاملا پیداست اوباما با اشاره به این موضوع، در واقع این را مطرح می‌کند که همیشه نظامی آمریکا در خاورمیانه از بین رفته است. کما اینکه واشنگتن پست نیز چندی پیش در گزارشی مهم نوشت سران کشورهای عربستان، امارات، قطر و کویت در این موضوع اتفاق نظر دارند که حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاک این کشورها، نه‌تنها موجب تامین امنیت‌شان نشده، بلکه در جنگ اخیر کاملا مشخص شد حضور این پایگاه‌ها، باعث ایجاد ناامنی برای آنها شده است. واشنگتن پست در ادامه، از قول سران این ۴ کشور نوشت آنها پس از جنگ ۴۰ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، به این واقعیت پی برده‌اند که واشنگتن در برابر تهران، نه‌تنها توان محافظت از همپیمانان منطقه‌ای‌اش را ندارد، بلکه حتی توان محافظت از خود را نیز ندارد. به اعتقاد نویسنده واشنگتن پست، پیمان‌های منطقه‌ای مثل پیمان مکه، نتیجه تغییر دیدگاه سران کشورهای عرب منطقه خاورمیانه، درباره حضور نظامی آمریکا در این منطقه است. اشاره اوباما به حملات ایران به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه نیز تلویحا همین واقعیت را در بر دارد. از همه مهم‌تر، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، در ادامه اظهاراتش اذعان کرد اینک، پس از جنگ ۴۰ روزه علیه ایران، موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه بهتر از قبل شده و به تعبیر او، ایران حالا قوی تر از قبل از جنگ ۴۰ روزه است.

ادامه در صفحه ۲

تیترهای امروز



گزارش «وطن امروز» از مقایسه راهبردهای دفاعی ایران برای عقب راندن نظامی آمریکا از اروپا با دوران جنگ سرد

دفاع بدون مرز

صفحه ۲

مخالفان نخست‌وزیر نسبت به پیامدهای جنگ دوباره علیه ایران و ناتوانی دولت در مدیریت بحران هشدار می‌دهند

اپوزیسیون نتانیاهو علیه جنگ با ایران

صفحه ۳

ویژه

فروپاشی انسجام راهبردی و سرگردانی واشنگتن در برابر ایران

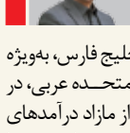
آمریکا با خودش هم توافق ندارد!

همین صفحه

فراتر از ویترین‌های دوبی و ریاض

راهبرد انتقال فناوری به جای تأمین مالی پرخطر

نگاه



حامد زرگر

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، در سال‌های اخیر بخش بزرگی از مازاد درآمدهای نفتی و منابع صندوق‌های ثروت ملی خود را روانه بازارهای جهانی فناوری کرده‌اند. این جریان سرمایه که سال‌ها به بازارهای غربی و شرکت‌های سیلیکون‌ولی (مانند سرمایه‌گذاری‌های کلان عربستان در صندوق ویژن سافت‌بنک) سرازیر می‌شد، چندی است به سمت شرق چرخیده و تأمین مالی فناوری‌های مورد نیاز چین را در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی، نیمه‌هادی‌ها، انرژی‌های نو و خودروهای برقی هدف گرفته است.

دستگاه رسانه‌ای این کشورها می‌کوشد این جابه‌جایی‌های مالی را در قالب پروژه‌های برندسازی ملی، نشانه‌ای از گذار به اقتصاد دانش‌بنیان و تبدیل شدن به قطب نوآوری منطقه معرفی کند. با این حال، اگر از هیاهوی تبلیغاتی فاصله بگیریم و به منطق اقتصادی این قراردادها بنگریم، تصویر دیگری نمایان می‌شود. چه در الگوی غربی که سال‌هاست دنبال می‌شود و چه در الگوی جدید همکاری با چین، قدرت‌های صاحب فناوری به کشورهای ثروتمند خلیج فارس نه به چشم «شریک فناورانه»، بلکه به عنوان یک «سرمایه‌گذار خطرپذیر (VC) بسیار پرریسک» نگاه می‌کنند؛ بازیگری که قرار است بار مالی طرح‌های سرمایه‌بر، کم‌بازده یا دارای ریسک شکست بالا را در زنجیره ارزش آنها به دوش بکشد. مساله اصلی برای سیاست‌گذار ایرانی این است که مرعوب این تصویرسازی‌های منطقه‌ای نشود و به دام رقابت‌های نمایشی نیفتد. راهبرد منطقی برای کشور ما، هدایت منابع به سمت سرمایه‌گذاری‌هایی است که با نیازهای واقعی و بومی همخوانی داشته باشد، در ساختار صنعتی کشور رسوب کند و از مسیر ارتباط مستقیم و نهادی میان دفاتر انتقال فناوری (TTO) با کشورهای صاحب فناوری پیش برود.

■ **کالبدشکافی یک تقسیم کار نابرابر**

رفتار راهبردی آمریکا و چین در بهره‌گیری از سرمایه‌های خلیج فارس بر چند منطق مشخص در اقتصاد نوآوری و حکمرانی زنجیره ارزش استوار است که واکاوی آنها ناکارآمدی الگوی کشورهای همسایه را آشکار می‌کند.

۱- برون‌سپاری ریسک و حفظ انحصار دانش در مبدأ

توسعه فناوری‌های نوظهور، به‌ویژه در مراحل میانی (از نمونه آزمایشگاهی تا تولید تجاری و مقیاس‌پذیر) ...

ادامه در صفحه ۴

فروپاشی انسجام راهبردی و سرگردانی واشنگتن در برابر جمهوری اسلامی ایران

آمریکا با خودش هم توافق ندارد!

یادداشت

ایلیا داوودی

۲۱ آبان سرکرده دولت تروریست آمریکا در تازه‌ترین نمایش پیروزی‌سازی‌های خود اعلام کرد: «ما دیگر به توافق با ایران نیازی نداریم؛ آن روزها مدت‌هاست گذشته است!» هنوز طنین این لاف‌زنی در رسانه‌های آمریکا فرو ننشسته بود که گزارش واشنگتن‌پست از شکافی عمیق در ساختمان قدرت کاخ سفید پرده برداشت. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، طی روزهای گذشته مشغول بررسی راه‌های از سرگیری مذاکرات با تهران بود؛ مارکو روبیو، وزیر خارجه همچنان از امکان توافق سخن می‌گفت و پیت هگست، وزیر جنگ به تداوم سیاست مشت آهنین تمایل داشت و همزمان رئیس‌جمهورشان با یک پیام اینترنتی، پرونده مذاکرات معاون خود را بست و مدعی شد دیگر نیازی به گفت‌وگو نیست! پس از ۸ ماه جنگ پرهزینه علیه جمهوری اسلامی ایران، اکنون منظره قدرت و سیاست در واشنگتن به صحنه‌ای تماشایی تبدیل شده؛ امپراتوری مدعی رهبری جهان که می‌خواست اراده سیاسی ملت ایران را درهم بشکند، خود در تعیین اراده خویش گرفتار شده است. واقعیت امروز کاخ سفید، بحران دولتی است که انبارهای تسلیحاتی‌اش از بمب و موشک انباشته شده اما اتاق فرماندهی سیاسی آن هنوز نمی‌داند با این همه قدرت نظامی، دقیقا چه می‌خواهد بکند.

■ **یک کاخ و چند فرمان در امپراتوری سرگردان!**

آنچه روزنامه واشنگتن‌پست در گزارش ۲۱ آبان از اختلافات درونی دولت تبهکار آمریکا آشکار کرد، تصویری معنادار از آشفتگی دستگاه تصمیم‌گیری قدرتی است که دهه‌ها خود را معمار نظم جهانی معرفی کرده است.

بر اساس این گزارش، ونس با همراهی جرد کوشنر و استیو ویتکاف در پی گشودن مسیر تازه‌ای برای پایان جنگ بود؛ مسیری که می‌توانست به توافقی درباره تنگه هرمز و پرونده هسته‌ای ایران منتهی شود اما در جناح مقابل، چهره‌های تندرویی مانند هگست با چنین رویکردی همراهی نکردند. ترامپ نیز ناگهان با کنار گذاشتن معاون خود از این مأموریت، فرمانی صادر کرد که عملا تلاش‌های دیپلماتیک روزهای گذشته را به محاق برد.

تناقض، زمانی آشکارتر می‌شود که رئیس‌جمهور آمریکا تنها ۳ روز پیش از آن، پس از دیدار با نخست‌وزیر قطر، مدعی شده بود جنگ از نظر نظامی عملا پایان یافته است.

مارکو روبیو نیز ۱۹ آبان در حاشیه نشست گروه ۷ اعلام کرد فشار اقتصادی بر ایران چنان کارآمد بوده که واشنگتن دیگر نیازی به عملیات گسترده نظامی ندارد. با این حال، دولت‌شان همچنان به تهدید حملات تازه ادامه می‌دهد و از پذیرش راه‌حل سیاسی طفره می‌رود. حاصل این فرمان‌های متناقض، وضعیتی مضحک در سیاست خارجی آمریکاست؛ جنگ را پایان‌یافته معرفی می‌کنند اما محاصره را ادامه می‌دهند؛ از بی‌نیازی به توافق سخن می‌گویند اما درهای مذاکره را کاملا نمی‌بندند؛ مدعی پیروزی هستند اما حاضر به ترک میدان نیستند.

واشنگتن‌پست در گزارش ۲۲ آبان این سیاست را وضعیتی بدون جنگ تازه، بدون مذاکره و بدون صلح پایدار توصیف کرد و این همان بن‌بستی است که دولت ترامپ می‌کوشد با هیاهوی تبلیغاتی، نام پیروزی بر آن بگذارد.

■ **آتش ایران در خرمن جمهوری‌خواهان**

ریشه‌های این سرگردانی را باید در شکست محاسبات جنگی آمریکا و بازگشت هزینه‌های تجاوز به خانه‌های شهروندان آمریکایی جست‌وجو کرد. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، ضربه سنگینی به موقعیت سیاسی ترامپ وارد و جمهوری‌خواهان را با شکستی تاریخی مواجه کرد. جنگی که قرار بود با نمایش اقتدار آمریکا و تسلیم جمهوری اسلامی به سرمایه سیاسی دولت تبدیل شود، اکنون به یکی از عوامل نارضایتی عمومی و شکست انتخاباتی حزب حاکم بدل شده است.

ونس در واکنشی کم‌سابقه، صراحتا پذیرفت جنگ ضد ایران و پیامدهای اقتصادی آن در شکست جمهوری‌خواهان نقش داشته است. این اعتراف از سوی معاون رئیس‌جمهوری که چشم به انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ دوخته، نشانه‌ای از شکاف منافع سیاسی در رأس حاکمیت آمریکاست. ترامپ به دنبال حفظ تصویر رئیس‌جمهوری پیروز است و ونس نگران آنکه میراث این جنگ، آینده سیاسی او را نیز به خاک بسپارد. «الکس واتانکا» پژوهشگر مؤسسه خاورمیانه واشنگتن، ۲۰ آبان در تحلیلی هشدار داد ترامپ پس از ۸ ماه جنگ هنوز نتوانسته توضیح دهد پیروزی آمریکا دقیقا چه صورتی خواهد داشت و آن کشور تا چه زمانی باید برای دستیابی به آن بجنگد.

این ارزیابی، اعترافی معنادار از دل محافل کارشناسی آمریکاست؛ اعتراف به فقدان نقشه سیاسی برای جنگی که با وعده تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا آغاز شد. افزایش هزینه انرژی، فشار تورم بر خانواده‌های آمریکایی، فرسایش منابع نظامی و شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان، اکنون به حلقه‌های زنجیری تبدیل شده‌اند که دست‌وپای ترامپ تروریست را بسته است.

ادامه در صفحه ۲